



بررسی تحریف داستان حضرت اسحاق^(ع) در کتاب مقدس

نویسه تن پوشان^۱

^۱ دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، tanpushann@gmail.com

چکیده

تحریف شخصیت پیامبران یکی از مواردی است که یهودیان و مسیحیان به وسیله آن، اعمال و افعالی که انجام می دهند را نزد عامه مردم توجیه می کنند. حضرت اسحاق^(ع) که یکی از پیامبران الهی است که خداوند ایشان را به سوی مردم مبعوث نمود تا آن ها را به پرستش خدای یگانه دعوت نماید. داستان حضرت اسحاق^(ع) به طور اجمالی در قرآن بیان شده است، اما یهودیان با تغییراتی در قسمت های مختلف این داستان چون بشارت تولد آن حضرت^(ع) و علت مهاجرت هاجر و اسماعیل^(ع) به مکه و یا ذبیح الله بودن که به حضرت اسحاق^(ع) نسبت می دهند، در تورات اضافه نموده اند که بیانگر افعال ناپسند آنها می باشد برای آن که به خواسته ها و اهداف خود برسند. در این مقاله سعی بر آن قرار گرفته که به مسایل تحریفی داستان حضرت اسحاق^(ع) که در تورات آمده، پرداخته شود و با تطبیق آنها با قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام پرده از حقیقت این داستان برداشته شود.

واژه های کلیدی: اسحاق^(ع)، ابراهیم^(ع)، اسماعیل^(ع)، تورات، ذبیح.

۱. مقدمه

سرگذشت حضرت اسحاق^(ع) در قرآن و تورات بیان شده، و در بخش چهارم نقد و بررسی نقل ها و نظرات قرآن و تورات درباره ی حضرت اسحاق^(ع) می باشد.

۲. ویژگی های کتب آسمانی

هر یک از کتاب های آسمانی که از طرف خداوند به وسیله ی پیامبران برای هدایت بشر فرستاده می شود، با سایر کتبی که ساخته ی خود انسان ها می باشد و آنها آن را تألیف می کنند تفاوت دارد؛ لذا همین اختلافات سبب می شود که افرادی سودجو در صد تحریف در این کتب وحیانی بر بیابند. ویژگی هایی چون تصدیق کننده ی کتب پیش از خود، عذاب اخروی به سبب کفر به کتب آسمانی، تلاش دشمنان برای تحریف کردن کتب آسمانی، مصدری برای حکمیت میان مردم، نزول کتب آسمانی بر فرستاده ی خداوند، کتاب هدایت در کتب آسمانی وجود دارد که سبب تمایز آنها با دیگر کتب بشری می باشد^{[۱] و [۲]}. قرآن که بعد از سال های فراوانی هم چنان در دسترس بشر قرار دارد، مسلماً دارای افتراق هایی با کتب آسمانی گذشته چون تورات و انجیل می باشد که تنها برای مدت زمان معینی به عنوان کتاب زندگی در دستان مردم قرار داشتند. این امتیازات یا افتراق های قرآن با تورات و انجیل مشمول « عدم وقوع هر نوع تحریفی در قرآن، تحدی، » می باشد^[۳].

۳. دلایل قائلان به تحریف قصص پیامبران

تحریف ماجرای پیامبران بر دو گونه کمی و کیفی انجام گرفته است. تحریف کمی بدین معناست که محرران زمانی که اقدام به تحریف جریان پیامبران می کنند، آن چه درباره ی زندگی مادی آنها باشد، به خوبی ثبت می کنند؛ ولی آنچه در خصوص رستاخیز و کیفر

پیامبران فرستادگان خداوند بر روی زمین می باشند که مسؤولیت هدایت بشر را به راه راست بر عهده دارند؛ اما در برابر دعوت پیامبران عده ای از مردم که افراد لجوج و دنیا طلبی بودند و برای رسیدن به منافع مادی خود تلاش می کردند، به پیامبران خداوند لیبیک نگفتند و دعوت آنها را انکار نمودند. افزون بر آن، به تحریف و تغییر سخنان و دستورات و افعال آنها پرداختند تا نگذارند که مردم در اطراف پیامبران جمع شوند. از جمله ی پیامبرانی که در سرگذشت آنها تحریف ایجاد نمودند، حضرت اسحاق^(ع) می باشد. سرگذشت حضرت اسحاق^(ع) در کتب آسمانی متعدد بیان شده است. به عنوان نمونه در قرآن کریم در چندین سوره به صورت اجمالی بیان شده است که بیانگر حقیقت وجود ایشان و اثبات رسالت و نبوت اوست، و در سایر کتب آسمانی از جمله تورات به طور مفصل به سرگذشت حضرت اسحاق^(ع) از دوران کودکی تا زمان وفات آن حضرت پرداخته شده است؛ اما از آنجا که تورات پس از زمان حضرت موسی^(ع) تحریف شده است، در قسمت هایی از داستان های پیامبران دست برده اند و آن را بنا به سلیقه ی شخصی خود تغییر داده اند.

در این مقاله تلاش بر آن است که با استفاده از آیات قرآن که با توجه به روایت پیامبر اکرم^(ص) به عنوان ثقل اکبر معرفی شده و در کنار اهل بیت علیهم السلام که ثقل اصغر هستند و به عنوان دو عضو جدایی ناپذیر در عالم آخرت می باشند به نقد و بررسی سخنان یهودیان در تورات و آیات قرآن و فرمایشات معصومین علیهم السلام پرداخته شود. این نوشتار در سه بخش تنظیم شده است که در بخش اول به بیان تعاریف و کلیاتی از کتاب های آسمانی با استفاده از آیات قرآن کریم و در بخش دوم به آرا و نظریاتی که درباره ی تحریف شدن سرگذشت پیامبران وجود دارد اشاره شده است. در بخش سوم